



بسته‌های
شادی بخش

۱۴

الگوی
من در ورزش
برادرم است

۱۳

پاییز نارنجی پوش

بعد از نام و یاد خالق هنرمندی که فصل‌های زیبا را برای ما آفرید تا آن‌ها را تماشا کنیم و به عظمت او پی ببریم، سلامی به زیبایی پاییز نارنجی پوش به همه شما بچه‌های بانشاط که با شور و شوق یک سال تحصیلی جدید را آغاز کرده‌اید و از اینکه به پایه بالاتر رفته‌اید، خوش‌حال هستید.

امیدواریم حالتان خوب و تنتان سلامت باشد و با آمدن باد و سرما خیلی مراقب سلامتی‌تان باشید. دوستان خوب کوله‌پشتی! اگر نگاهی به تقویم انداخته باشید، حتماً متوجه شده‌اید که یکی از مناسبت‌های مهم این هفته «روز آتش‌نشانی» است و ما باید قدردان این قهرمانان فداکار شهرمان باشیم و به‌عنوان شهروندان آگاه شماره ۱۲۵ را در زمان آتش‌سوزی از یاد نبریم.

ما هم این روز را به همه آتش‌نشان‌های شهرمان خداقوت می‌گوییم و از خدا می‌خواهیم که همیشه سلامت باشند.



طیبه تهرانی

فهرست

- نجات آبادان / ۱
- قهرمان / ۲
- یک دسته گل نرگس / ۳
- بابای مهربان / ۴
- روحانی حماسه‌ساز / ۶
- انیمیشن / ۷
- بازی آتش‌نشانی / ۸
- قاب کودکی / ۱۰
- آشپزی / ۱۱
- الگوی من در ورزش برادرم است / ۱۲
- اخلاق دین ما: کمک به نیازمندان / ۱۴
- آزمایش‌های جالب علمی / ۱۶
- من و یک گلدان / ۱۷

صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید سجّاد طلوع هاشمی
دبیر منام:
ارژنگ حاتمی
دبیر کوله‌پشتی:
طیبه سادات ثابت
گرافیک و صفحه‌آرایی:
ملک جمعی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
اینتای روزنامه: ۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
توزیع و امور مشترکین:
۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
داخلی ۵۱۹ و ۵۲۰



نجات آبادان

شکست حصر چیست؟

شکست حصر یعنی محاصره‌ی آن مکان از بین می‌رود و آنجا آزاد می‌شود. البته این کار با تلاش و فداکاری‌های زیادی اتفاق می‌افتد. بعد از حصر آبادان، هم مردم و هم رزمندگان از این اتفاق ناراحت بودند. در آن زمان، امام خمینی [ره] فرمان دادند که «حصر آبادان باید حتما شکسته شود». مردم و رزمندگان در آن زمان خیلی تلاش کردند.

حصر آبادان کی شکست؟

مهرماه سال ۱۳۶۰، ساعت یک صبح، رزمندگان ما در یک عملیات با نام ثامن الائمه [ع] توانستند حصر آبادان را بشکنند. آبادان بالاخره آزاد شد و ما توانستیم بخشی از خاک میهن خود را از دشمن پس بگیریم. بعضی از کسانی که در شکستن حصر کمک کرده بودند شهید شدند.

شکرگزاری

وقتی اتفاق بدی پایان خوب دارد، ما از خداوند شکرگزاری می‌کنیم. امروز هم که حدود ۴۲ سال از شکست حصر آبادان با حضور قهرمانانه لشکر ۷۷ پیروز ثامن الائمه خراسان می‌گذرد، باید برای این اتفاق خوب از خداوند شکرگزاری کنیم. پس بیایید با هم بگوییم: خدایا، برای شکست حصر آبادان از تو متشکریم!

پنجم مهرماه سالروز نجات آبادان است که در تقویم به عنوان شکست حصر آبادان از آن یاد می‌شود. شکست حصر آبادان یک واقعه‌ی خیلی مهم در تاریخ کشور ماست. بیایید با هم به این واقعه نگاهی بیندازیم.

حصر یعنی چه؟

اگر توی فرهنگ لغت بررسی کنید، خواهید دید «حصر» یعنی محاصره کردن یک مکان. در زمان جنگ، وقتی به جایی حمله می‌کنند و دورتادور آن محل را محاصره می‌کنند، می‌گویند حصر اتفاق افتاده است. این کار تجاوز به خاک یک کشور محسوب می‌شود.

در حصر آبادان چه اتفاقی افتاد؟

در سال ۱۳۵۹ رژیم بعث عراق به رهبری صدام جنگ با کشور ما را شروع کرد. استان خوزستان که شهر آبادان در آن قرار دارد، در جنوب کشور و در قسمت مرزی با عراق است. ارتش بعث توانست مدتی بعد از جنگ، شهر آبادان را محاصره کند. بسیاری از مردم این شهر با آن‌ها جنگیدند. رزمندگان زیادی هم شهید یا مجروح شدند.

آبادان یکی از شهرهای مهم خوزستان است چون چاه‌های نفت در آنجا هست. برای همین هم دشمن دوست داشت این شهر را بگیرد.





قهرمان

بابای من آتش نشان است
او بهترین بابای دنیاست
هر جای شهر آتش بگیرد
بابای خیلی خوبم آنجاست

گرم و دود و شعله‌ی داغ
آتش نشانی شغل سختی ست
اما نمی دانم چرا ترس
توی دل بابای من نیست

ای کاش اصلا هیچ جایی
روی زمین آتش نگیرد
ای کاش هیچ آتش نشانی
در شعله‌ی آتش نمیرد

وقتی که شب‌ها می رود او
آرام و باخنده سرکار
آهسته می گویم خدا جان
او را خودت سالم نگهدار



منیره هاشمی

کاردستی

یک دسته گل نرگس

شما با شانه‌های تخم چه کار می‌کنید؟ آن‌ها را در کیسه‌ی باز یا فیتی‌های خشک می‌اندازید یا به شانه‌های تخم مرغ خوب نگاه می‌کنید تا با آن‌ها یک دسته گل نرگس درست کنید؟! اجزای شانه‌ی تخم مرغ به راحتی از هم جدا می‌شود. بعد از جدا کردن، دور آن‌ها را با قیچی هلالی کنید. وقتی گل‌ها آماده شد، برای درست کردن پرچم گل‌ها، برجستگی‌های شانه‌ی تخم مرغ را جدا کنید. گل و پرچم‌ها را رنگ کنید. بعد از خشک شدن، وسط آن‌ها را با نوک خودکار سوراخ کنید. پرچم‌ها را میان گل‌ها بچسبانید. نی یا سیخی را که رنگ کرده یا دور آن کاغذ سبز چسبانده‌اید از میان گلبرگ و پرچم عبور دهید و به هم بچسبانید. حالا دسته گل را به مادر یا پدرتان هدیه بدهید!



طاهره عرفانی



چی لازم داریم؟

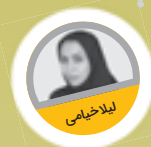
۱. شانه‌ی تخم مرغ

۲. رنگ گواش

۳. چسب

۴. قیچی

۵. نی یا سیر شاخه‌ی درخت



بابای مهربان

حالا خسته‌تر از قبل شده بود. هنوز چند دقیقه نگذشته بود که بابابزرگ آمد توی اتاق. بابابزرگ کلافه بود. بند ساعت مچی‌اش خراب شده بود. با ناراحتی آمد و کنار بابا نشست و گفت: «پسرم، ببین این ساعت چرا درست نمی‌شود!» بابا خیلی خسته بود. دلش می‌خواست بگوید: «الان خسته‌ام، باشد برای بعد.» اما تا به صورت مهربان بابابزرگ نگاه کرد، دلش نیامد. لبخندی زد و ساعت را از بابابزرگ گرفت. نشست و مشغول تعمیر بند ساعت شد اما بند ساعت قرار نبود راحت درست شود. بابا مجبور شد یک عالمه تلاش کند. حتی مجبور شد برود جعبه‌ی ابزارهایش را بیاورد. بالآخره بند ساعت درست شد و لبخند بزرگی روی صورت بابابزرگ نشست. بابابزرگ با مهربانی ساعت را از بابا گرفت و گفت: «خیر ببینی باباجان!» بعد هم ساعت را بست به مچ دستش و راه افتاد برود پارک دیدن دوستانش. بابابزرگ رفت، بابا دوباره لم داد جلو تلویزیون. سارا که تا آن وقت مشغول نقاشی کشیدن بود و زیرچشمی کارهای بابا را نگاه می‌کرد، بلند شد و آمد کنار بابا نشست و گفت:

«بفرماید، نقاشی من را ببینید. نقاشی یک بابای مهربان را کشیده‌ام.» توی نقاشی سارا دو تا بابا بود. یکی داشت با سينا بازی می‌کرد و یکی داشت ساعت بابابزرگ را تعمیر

همیشه وقتی خیلی خسته‌ای، دلت می‌خواهد یک گوشه بنشینی و حسابی استراحت کنی. بابا هم حسابی خسته بود. دلش می‌خواست کمی استراحت کند.

بابا لم داده بود گوشه‌ی اتاق که سرو و کله‌ی سينا پيدا شد. سينا شروع کرد به سرو و صدا و بازی توی اتاق. بابا خسته بود و دلش می‌خواست جلو تلویزیون لم بدهد و اخبار گوش کند اما سينا دلش می‌خواست بابا با او بازی کند و مثل او وسط اتاق بپرپر کند. برای همین، دوید پیش بابا. دستش را کشید و گفت: «بیا بابا، بیا بازی کنیم! خیلی کیف دارد!» بابا لبخندی زد و نگاهی به صورت خندان سينا انداخت. می‌خواست بگوید: «خسته‌ام. حوصله ندارم.» اما وقتی لبخند سينا را دید، دلش نیامد حرفی بزند و بلند شد و همراه سينا مشغول بازی و بپرپر شد. می‌دوید و جیغ می‌کشید و بپرپر می‌کرد. سارا نشسته بود گوشه‌ی اتاق و بازی سينا و بابا را تماشا می‌کرد.

بابا بازی کردند و بازی کردند تا حسابی خسته شدند. آن وقت، هر کدام یک گوشه از اتاق نشستند و نفس نفس زنان مشغول خندیدن شدند. بعد از آن، سينا دوید توی حیاط تا دوچرخه‌سواری کند. بابا هم دوباره لم داد جلو تلویزیون تا خستگی در کند و اخبار گوش کند چون



می‌کرد. بابا لبخندی زد و گفت: «وای، عجب باباهایی! قیافه‌شان چه قدر شبیه من است!» سارا لبخندی زد و گفت: «بله، خود خودتان هستید. با اینکه خسته‌اید، هم با سینا مهربانید، هم با بابا بزرگ!» بابا دستی به سر سارا کشید و گفت: «پیامبر





قهرمان من

روحانی حماسه ساز

مانند آیت‌ا... سید محمد هادی میلانی و فقیه بزرگ شیخ مجتبی قزوینی به تحصیل پرداخت.

حجّت الاسلام والمسلمین هاشمی نژاد یکی از روحانیانی بود که از پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ تا سال ۱۳۵۷ از فعالان اصلی جنبش انقلاب اسلامی در مشهد شناخته می‌شد و در آن مدّت پنج بار هم بازداشت شد. او دبیر حزب جمهوری اسلامی در مشهد بود و سرانجام در روز هفتم مهر ۱۳۶۰ با انفجار انتحاری نارنجک یکی از اعضای نفوذی سازمان مجاهدین خلق در محلّ دفتر این حزب در خیابان عشرت‌آباد مشهد که بعدها به نام او خیابان شهید هاشمی نژاد نام گرفت، ترور شد و به شهادت رسید. پیکر او در حرم امام رضا [ع] به خاک سپرده شد.

کشور ما ایران فرزندان قهرمان زیادی داشته است که در طول زمان برای حفظ دین و سرفرازی مردم تلاش‌ها، فداکاری‌ها و دلاوری‌ها کرده‌اند.

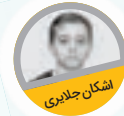
یکی از این چهره‌های فراموش‌نشده‌ی انقلاب اسلامی، روحانی ساده‌زیست و شجاعی است که سال ۱۳۱۱ حوالی بهشهر مازندران به دنیا آمد. پدر و مادرش با تربیت درست دینی او مقدمات رشد شخصیت و تفکر او را فراهم کردند.

سید عبدالکریم از کودکی اش سخت‌کوش و علاقه‌مند به دانستن بیشتر بود. او بعد از تحصیلات ابتدایی به حوزه رفت و نزد استادش، آیت‌ا... کوهستانی تحصیل کرد. او برای رشد بیشتر نزد استادان بزرگی





انیمیشن



اشکان جلالی

این انیمیشن درباره‌ی آشنایی فین با کره‌ی زمین است. او که پسر بچه‌ای کنجکاو و جویای علم است، در روز زمین، همراه پدر و مادرش به گردش می‌رود و والدینش را راضی می‌کند به موزه بروند. در آنجا پسرک به شکل اتفاقی با کره‌ی زمین و ویژگی‌هایش آشنایی می‌شود. بعد از آشنایی‌اش با کره‌ی زمین، فین متوجه می‌شود، این دنیا پر از سؤال و جواب‌هایی است که نمی‌توانیم به همه‌ی آن‌ها دست پیدا کنیم. پس برای اینکه خودمان را در این بهت گم نکنیم، بهتر است از آنچه می‌دانیم شروع کنیم و با مردم، با هرویزگی‌ای که دارند، مهربانی کنیم.

انیمیشن
«ما اینجا
هستیم»

۳۶

پدر گفت احتمالا کسی
آتش روشن کرده و خوب خاموش
نگرده است. باید کمک بیاوریم. به
خانه‌ی ۴۰ برو.

۳۳

موقع برگشت مادر
متوجه سوختن یک درخت
شد. او سریع به آتش نشانی
زنگ زد.

۴۰

مردمی که نزدیک جنگل
خانه داشتند برای خاموش
کردن آتش کمک کردند. یک بار
دیگر تاس بریز.

۴۲

کپسول
آتش نشانی وسط
آب را به خانه‌ی ۳۸ ببر.

۴۸

آتش نشان را به
خانه‌ی ۴۱ ببر.

۵۰

ماشین
آتش نشانی را به
خانه‌ی ۳۹ ببر.

مراقب جنگل باشید

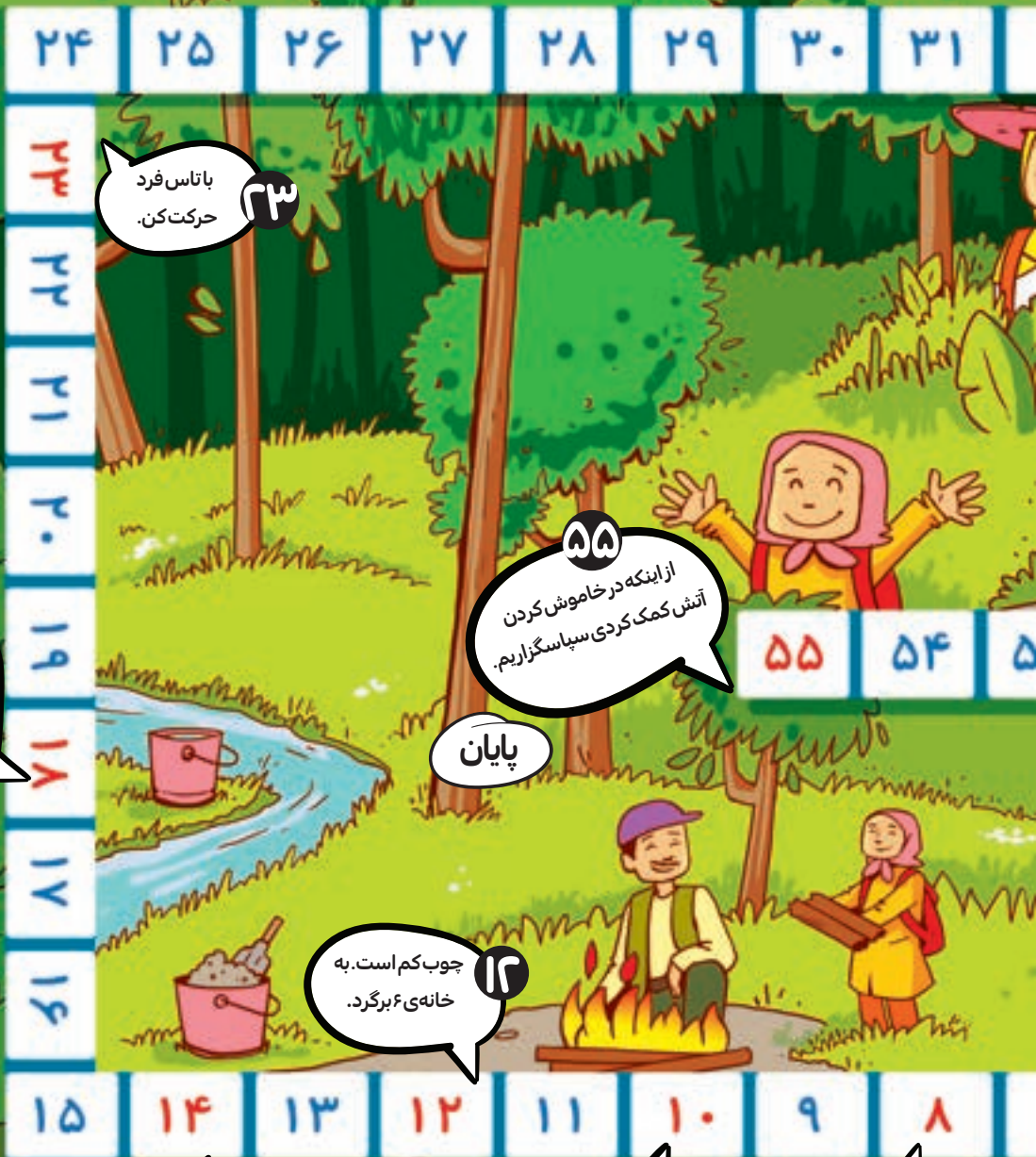
برای انجام این بازی به یک عدد تاس و به تعداد
بازیکنان، به مهره نیاز است. بازی با تاس ۶ شروع می‌شود.
برنده کسی است که زودتر به خانه‌ی پایان برسد. سایر توضیحات
داخل بازی آمده است. ماهک و ماهان به همراه خانواده برای
گردش به جنگل رفته‌اند. آن‌ها را در این گردش همراهی کنید.

شروع

۵

برای درست کردن
آتش و پخت غذا این
چوب‌های شکسته را بردارو
به خانه‌ی ۱۱ برو.

بچه‌های عزیز در این صفحه دوست دارید
با چه موضوعاتی بازی و سرگرمی داشته باشید؟
نظرهای خود را به شماره ایتای ۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰ بفرستید.



باتاس فرد
حرکت کن.

۲۳

از اینکه در خاموش کردن
آتش کمک کردی سپاسگزاریم.

۵۵

پایان

سطل
آب را بردار و
به خانه ابرو
تا آتش کاملاً
خاموش
شود.

۱۸

چوب کم است. به
خانه‌ی ابرو برگرد.

۱۲

موقع رفتن است.
خاک را بردار و روی آتش بریز
تا خاموش شود. به خانه‌ی
ابرو برگرد.

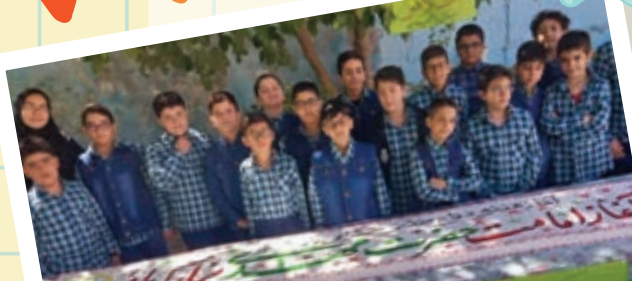
۱۴

با کمک بزرگ‌ترت آتش
روشن کن. سپس دور بعد باتاس
فرد حرکت کن.

۱۰

باتاس زوج
حرکت کن.

۸



پرهام پورمنفردی و همکلاسی های کلاس پنجم دبستان امید ۷
در جشن آغاز امامت حضرت حجت با یکیک چهارمتری



نیایش قارونی

قاب کودکی

بچه های عزیز تا هفته دیگر عکس های خود
را با موضوع من و مدرسه ام
برای ما به شماره ی اینای
۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰ بفرستید.



سینا دقیق



پسنا هاد یزاده





عصرانه‌ی خوش مزه‌ی مادربزرگ یا کوکوی تره



جمعه قرار بود بچه‌ها با مادربزرگ به پارک بروند. مادربزرگ با خودش فکر کرد بهتر است یک عصرانه‌ی خوش مزه درست کند. چون زیاد وقت نداشت، تصمیم گرفت یک غذای ساده درست کند. برای همین، مواد زیر را آماده کرد:

مادربزرگ سبزی‌ها را خرد کرد، ریز ریز. بعد آن‌ها را توی کاسه ریخت، تخم مرغ‌ها را به آن‌ها اضافه کرد و با چنگال هم زد. نمک، فلفل و ادویه را هم به مواد اضافه کرد و دوباره مواد را با چنگال خوب هم زد.

بعد یک ماهیتابه‌ی قرمز را روی گاز گذاشت تا خوب داغ شود. اگر ماهیتابه داغ نباشد، مواد به آن می‌چسبد. روغن را داخل ماهیتابه ریخت. بعد از چند دقیقه، مواد را داخل ماهیتابه ریخت و با پشت قاشق، آن را صاف کرد. مواد شروع به جلز و لز کردند و بوی سبزی راه افتاد.

مادربزرگ در ماهیتابه را گذاشت و بعد از چند دقیقه، وقتی یک طرف مواد سرخ شده بود، آن را برگرداند. بعد از ده دقیقه، غذای مادربزرگ آماده بود. فکر می‌کنم فهمیدید مادربزرگ چه غذایی درست کرده بود! بله، کوکوی سبزی!

دهان بچه‌ها آب افتاده بود. برای همین، زود رفتند پارک که با مادربزرگ عصرانه‌ی خوش مزه‌شان را بخورند.



مرجان اسماعیلی

چی لازم داریم؟

تخم مرغ ۳ عدد

گشنیز تازه یک پیمانه

تره‌فرنگی تازه یک پیمانه

نمک، فلفل و ادویه به میزان لازم



انسان‌ها همیشه آرزو دارند تندرست بمانند و عمری طولانی داشته باشند. در این راه، ورزش یکی از مهم‌ترین کارهای انرژی‌بخش است و فواید شگفت‌انگیزی برای سلامت جسم و روح ما دارد. امیرعلی زائری نیا امسال دانش‌آموز کلاس هفتم مدرسه شاهد شهید شوشتری است. او ورزش را از پنج سالگی و با موفقیت در رشته‌ی ژیمناستیک آغاز کرده است و اکنون مسیر قهرمانی را با بدمینتون دنبال می‌کند. گفت‌وگوی ما با امیرعلی را در ادامه می‌خوانید.



نوجوان قهرمان بدمینتون استان: الگوی من در ورزش برادرم است

نتیجه‌ی طلایی زحمات من

از آنجا که ژیمناستیک ورزش پایه است و برادر بزرگ‌ترم در این رشته قهرمان است، من هم از کودکی با ژیمناستیک آشنا شدم و به آن علاقه پیدا کردم. به‌ویژه وقتی در هفت سالگی نخستین مرتبه در مسابقات باشگاهی اول شدم، به این دلیل که نتیجه‌ی زحماتم را به‌خوبی می‌دیدم، خیلی خوش‌حال بودم. پس از چهار سال کار و تمرین حرفه‌ای، در هشت سالگی در مسابقات آموزشگاه‌های خراسان قهرمان استان شدم و از نه سالگی ژیمناستیک را کنار گذاشتم و وارد رشته‌ی بدمینتون شدم. به دلیل آمادگی بدنی بالا، پیشرفت خیلی خوبی در بدمینتون داشتم و یک سال بعد نفر سوم رده‌ی سنی نونهالان مسابقات بدمینتون استان شدم. در یازده سالگی نیز مقام سوم استان را کسب کردم. خوش‌حالم امسال هم که وارد رده‌ی سنی نوجوانان شده‌ام، نفر سوم استان در این رشته هستم. امسال در مسابقات «فیتنس چلنج» قهرمانی استان هم شرکت و مقام سوم رده‌ی سنی نوجوانان را کسب کردم.

همه‌ی فایده‌های بدمینتون

بیشترین توانایی‌ای که برای موفقیت در رشته‌ی بدمینتون به آن نیاز داریم به‌نظم سرعت عمل، چابکی، دقت، تمرکز و استقامت است زیرا این رشته‌ی ورزشی نفس‌گیر است و به‌ویژه اگر بازی سه‌ست شود. خدا را شکر می‌کنم که تاکنون آسیب دیدگی جدی‌ای نداشته‌ام. عقیده دارم بدمینتون ورزش بسیار شاد و بانشاطی است که سبب می‌شود ورزشکار واکنش سریع و بالایی داشته باشد. خوشبختانه جایگاه ورزش بدمینتون در کشور ما روبه‌پیشرفت است و به‌سطح یک آسیا رسیده است. من هم امیدوارم بتوانم در این ورزش بیش از پیش و در سطح جهانی بدرخشم.



توانایی‌های دیگر من

جز ورزش، به نقاشی و خوش‌نویسی نیز علاقه‌ی زیادی دارم و در مسابقات

«دست‌نوشته‌های طلایی» و هم‌چنین مسابقات نقاشی

سال پیش مقام اول را در ناحیه به دست آوردم. از نظر درسی هم تا الان جزو نفرات برتر کلاس و مدرسه بوده‌ام و همیشه به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنم که پیش از رفتن به سالن ورزشم، تکالیف مدرسه‌ام را تمام کرده باشم. در روزهای تعطیل هم کارهای عقب‌افتاده درس و مدرسه‌ام را انجام می‌دهم تا به این ترتیب، به‌همه‌ی کارهایم به‌خوبی رسیدگی کرده باشم.

مهم‌ترین هدف من

بدمینتون را خیلی دوست دارم اما اگر روزی بخواهم رشته‌ی ورزشی دیگری را انتخاب کنم قطعاً فوتبال در پست مهاجم خواهد بود. با این حال، مهم‌ترین هدفم برای آینده این است که ورزش را ادامه بدهم تا بتوانم قهرمان کشور و آسیا شوم. در

زمینه‌ی تحصیلی هم قصد دارم وارد رشته‌ی هنر و استاد دانشگاه در رشته‌ی گرافیک شوم.

به دوستانم توصیه می‌کنم در کنار درس حتماً زمانی را برای فعالیت بدنی پیش‌بینی کنند تا سالم و سر حال بمانند.

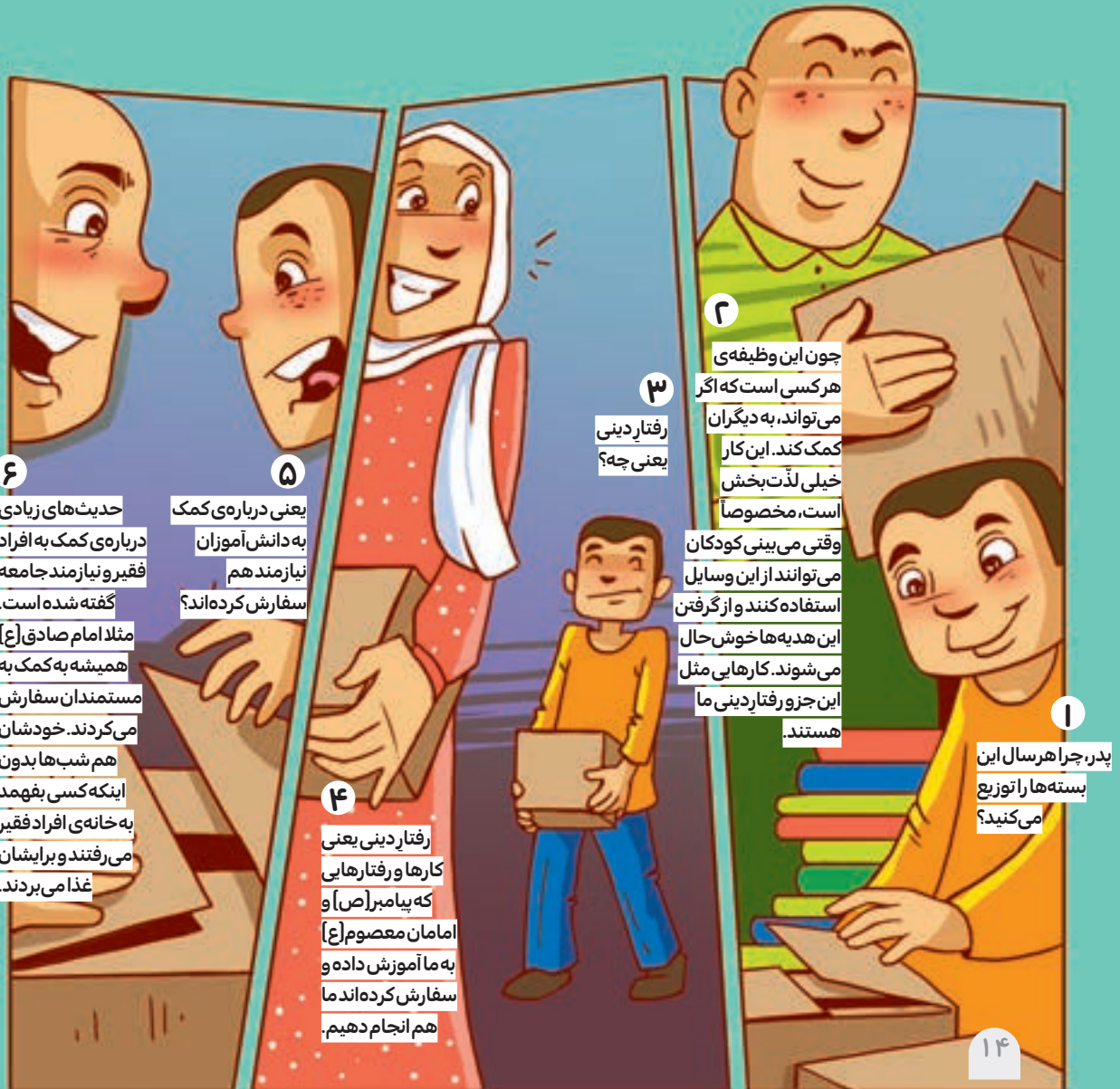
از خانواده‌ام که همیشه حامی و پشتیبانم هستند و مربیان خوبم که برای من خیلی زحمت کشیده‌اند به‌ویژه آقایان رضایی و متولی که در رشته‌ی بدمینتون مرا همراهی و راهنمایی کرده‌اند قدردانی می‌کنم.

یک خاطره‌ی شیرین

من کلاس اول دبستان و برادرم کلاس ششم بود. هر دو در مسابقات ژیمناستیک ناحیه‌ی ۳ شرکت کردیم و هم‌زمان موفق به کسب مقام اول و مدال طلای رده‌ی سنی خودمان شدیم و به مسابقات استانی راه پیدا کردیم. در مسابقات استانی هم من و برادرم هر دو مدال طلا گرفتیم که خاطره‌ی بسیار شیرینی برایمان به جا گذاشت. البته تمرین کردن در کنار برادرم همیشه برایم جذاب و خاطره‌انگیز بوده است و الگوی من در ورزش برادرم بوده و هست.

بسته‌های شادی بخش

پیامبر عزیز ما و امامان معصوم [ع] درس‌هایی به ما داده‌اند که برای زندگی خودمان و دیگران مفید هستند. مثلاً پیامبر [ص] و امام صادق [ع] درباره‌ی کمک به مستمندان سفارش‌های زیادی کرده‌اند. بعضی‌ها کارهایی برای کمک به آدم‌های فقیر انجام می‌دهند. مثل پدر و مادر یا سینی که هر سال با شروع مدرسه‌ها، با کمک چند نفر از دوستانشان، بسته‌هایی را برای کمک به کودکان نیازمند تهیه می‌کنند. امسال هم دارند این بسته‌ها را آماده می‌کنند تا به دست آن‌ها برسانند.



۲

چون این وظیفه‌ی هر کسی است که اگر می‌تواند، به دیگران کمک کند. این کار خیلی لذت‌بخش است، مخصوصاً

۳

رفتار دینی یعنی چه؟

۵

یعنی درباره‌ی کمک به دانش‌آموزان نیازمند هم سفارش کرده‌اند؟

۶

حدیث‌های زیادی درباره‌ی کمک به افراد فقیر و نیازمند جامعه گفته شده است. مثلاً امام صادق [ع] همیشه به کمک به مستمندان سفارش می‌کردند. خودشان هم شب‌ها بدون اینکه کسی بفهمد به خانه‌ی افراد فقیر می‌رفتند و برایشان غذا می‌پردند.

۴

رفتار دینی یعنی کارها و رفتارهایی که پیامبر [ص] و امامان معصوم [ع] به ما آموزش داده و سفارش کرده‌اند ما هم انجام دهیم.

۱

پدر، چرا هر سال این بسته‌ها را توزیع می‌کنید؟



۱۲

ان شاء...!

۱۱

سال دیگر هم این
بسته‌ها را توزیع
می‌کنیم؟

۱۵



۱۰

فکر خوبی است یاسین جان. با همین
کارهای کوچک هم می‌شود به دیگران کمک
کرد، هر کس به اندازه‌ی توانش.

۹

من هم دوست دارم در این کار سهمی داشته باشم
این مداد و این پاک‌کن را می‌گذارم دریکی از بسته‌ها.



۷

پس این کار شما
خیلی ثواب دارد.

۸

هر کاری که کمک
کند و مشکل
دیگران را حل کند
ثواب دارد. باید
همیشه حواسمان
به آدم‌های دور و
برمان باشد و اگر
می‌توانیم، به آن‌ها
کمک کنیم.

گاز آتش خاموش‌کن



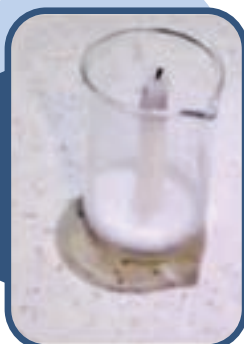
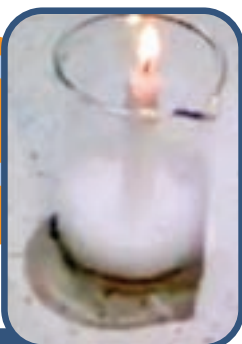
شما کاوشگران کوچک و آینده‌سازان فردا می‌دانید باریختن آب روی شعله معمولی یا فوت کردن می‌توان آن را خاموش کرد.

در این آزمایش، یاد خواهید گرفت با روش دیگری هم می‌توان این کار را انجام داد.

شمع را به آهستگی درون لیوان یا بشر قرار دهید. اطراف آن یک قاشق جوش شیرین بریزید. این کار را با دقت و حوصله انجام دهید. شمع را روشن کنید و کمی سرکه روی جوش شیرین اطراف شمع بریزید. دقت داشته باشید ارتفاع شمع به قدری کوتاه نباشد که سرکه به شعله برسد. نتیجه‌ی آزمایش جذاب خواهد بود. باریختن سرکه روی جوش شیرین، گازی تولید می‌شود به نام کربن دی‌اکسید.

این گاز سبب خاموش شدن شعله می‌شود زیرا از هوا سنگین‌تر است و هوا را از اطراف شعله کنار می‌زند. دیگر اکسیژن به شعله نمی‌رسد و خاموش می‌شود.

هنگام خاموش شدن شعله‌ی شمع، دقت کنید شعله به سمت بالا کشیده می‌شود و به اصطلاح، از گاز دی‌اکسید کربن فرار می‌کند.



چی لازم داریم؟

شمع

لیوان یا بشر

جوش شیرین

سرکه

معرفی کتاب



من و یک گل‌دان



پارسا نوروزی

کتاب «من و یک گل‌دان خالی» نوشته‌ی مرجان فولادوند داستان دخترک کوچکی را روایت می‌کند که مادر بزرگش داخل قوطی قرص برایش تخم گل فرستاده است تا آن‌ها را بکارد. قوطی قرص‌های مادر بزرگ را هم می‌توانید روی جلد پیدا کنید که داخل آن بذر چند گیاه مختلف مثل تربچه، اطلسی، چمن و نیلوفر وجود دارد. این داستان می‌تواند یک قصه‌ی مناسب برای بهبود رابطه‌ی کودک با طبیعت و مادر بزرگ یا پدر بزرگ خود باشد.

این کتاب علاوه بر اینکه علاقه و توجه کودک را به کاشتن گل و گیاه و فعالیت لذت‌بخش باغبانی تشویق را بیدار می‌کند به کودک نیز یاد می‌دهد که چه طور از محیط زیست و سالمندان حمایت کند و به این ترتیب به زندگی شکل زیباتری بدهد. در میان کتاب، کاغذی جدا برای توضیحات بیشتر در مورد چهار گیاه نیلوفر، تربچه، اطلسی و چمن و شیوه کاشت آن‌ها گذاشته شده است. بذره‌ای این چهار گیاه در قوطی قرص مادر بزرگ قرار دارند و کودک پس از پایان کتاب می‌تواند آن‌ها را بکارد.

نویسنده: مرجان فولادوند

انتشارات: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

سال انتشار: ۱۳۹۹

من و یک گل‌دان



